

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



عضویت در خبرنامه



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛
شبکه های توجه گرافی
(Graph Attention Networks)



کارگاه آنلاین آموزش استفاده از
وب آو ساینس



کارگاه آنلاین مقاله روزمره انگلیسی

تئوری "دیگری" در نقد روانکاوی لاکان

دکتر شیده احمدزاده

استادیار دانشگاه شهید بهشتی

e-mail: amiran35@hotmail.com

چکیده

در حوزه نقد پسامدرن، تحلیل ژاک لاکان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. او با معرفی بحث‌های ساختارگرایی در حوزه ناخودآگاه، تحول شگرفی در روانکاوی کلاسیک ایجاد کرد. بر خلاف فروید که وجود ناخودآگاه را مقدم بر زبان می‌دانست، در تئوری پساساختارگرایی لاکان این زبان است که ناخودآگاه را می‌سازد. اما آنچه در لاکان اهمیت می‌یابد این است که زبان نه تنها در ایجاد ناخودآگاه که در ایجاد سوژه (فاعل) نیز نقش اساسی‌ای را ایفا می‌کند. مفهوم دیگری در لاکان در سه زمینه متفاوت مطرح می‌شود. اولین بار در مرحله آینه (mirror stage) وقتی که سوژه با یافتن تفاوت بین خود و "خود دیگر" شکل می‌گیرد. نظم نمادین زمینه دومی است که دیگری در آن بحث می‌شود. نظم نمادین که حیطه زبان است مرحله‌ای است که نه تنها به سوژه هویت می‌بخشد که او را وابسته به زنجیره دلالت می‌سازد. و بالاخره زمینه سوم در لاکان ناخودآگاه است که محل گفتگوی دیگری است و سوژه برای تثبیت خود به آن وابسته است. بنابراین در تئوری لاکان، دیگری کانون اصلی هویت سوژه است: با دیگری است که شکل می‌یابد، با دیگری خود را در می‌یابد و با دیگری به شناخت می‌رسد. علاوه بر این در نظر لاکان، مفهوم تمایل (desire) نیز فقط با دیگری معنا می‌یابد و ماهیت آن متکی به دیگری است چرا که دیگری هم علت و هم غایت میل است. هدف این مقاله ابتدا تعریف مفهوم تمایل است و سپس ارتباط آن با دیگری و سپس جایگاه آن در تئوری روانکاوی لاکان مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

واژه‌های کلیدی: دیگری، تمایل، ژاک لاکان، ضمیر ناخودآگاه، سوژه، زبان، خود، نظم نمادین.

مقدمه

ژاک لاکان از اندیشمندان بزرگ پساساختارگرا محسوب می‌شود که تحول عظیمی در حوزه روانکاوی ایجاد نمود. محور اصلی تحلیل لاکان این بود که زبان را بعنوان یک عنصر بنیادی وارد بحث‌های روانکاوی نمود. از نظر او نه تنها ساختار ناخودآگاه همانند ساختار زبان است که زبان اساساً ناخودآگاه را می‌سازد. علاوه بر زبان، دومین اصلی که در تئوری روانکاوی لاکان نقش بنیادی دارد مفهوم "دیگری" است. واژه "دیگری" به تدریج مفهوم کاملی را در تئوری لاکان یافته است. لاکان در تئوری خود از سه نظم صحبت می‌کند که در پیدایش، شکل‌گیری و رشد سوژه نقش مهمی را ایفا می‌کنند اما آنچه در لاکان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است جایگاه اساسی "دیگری" در این سه نظم است. بعبارت بهتر این "دیگری" است که سوژه را به وجود می‌آورد و در ابعاد مختلف تئوری لاکان مانند ناخودآگاه، ابژه، تمایل (desire)، خود (ego) و تمتع (jouissance) مطرح می‌شود. در این مقاله به بررسی جایگاه "دیگری" از دیدگاه لاکان در دو نظم اساسی (خیالی، نمادین) و جایگاه آن در ناخودآگاه می‌پردازیم تا به محوری بودن این مفهوم در روانکاوی تحلیلی او پی ببریم.

بحث و بررسی

نظم خیالی دوره‌ای است کاملاً پیش‌زبانی قبل از اینکه اساساً سوژه در معرض فراگیری زبان قرار بگیرد. در تئوری لاکان این دوره از اهمیت بسیار ویژه‌ای برخوردار است چرا که صرفاً به عنوان یک مرحله از رشد سوژه محسوب نمی‌شود. این مرحله، زمان شکل‌گیری خود است و از این لحاظ نحوه این شکل‌گیری و پیامدهای مربوط به آن برای همیشه در وجود انسان باقی می‌ماند و پایه و اساس ساختار هویت سوژه را تشکیل می‌دهد. نظم خیالی که معمولاً با مرحله آینه از آن یاد می‌شود بخشی از اولین سمیناری است که لاکان با آن معروف شد. مرحله آینه، مرحله‌ای است که در آن کودک بین ۱۸ - ۶ ماهگی برای اولین بار این قدرت تشخیص را می‌یابد که تصویر خودش را در آینه بباید. قبل از این مرحله کودک هیچگونه مفهومی از خود ندارد و تصویر ذهنی‌اش از سوژه کاملاً آشفته و پراکنده است. اما

در این مرحله سوژه برای اولین بار از طریق انعکاس تصویر خود را درمی‌یابد و با آن احساس یگانگی می‌کند. این تصویر از نظر لاکان دور از واقعیت اصلی سوژه و کاملاً توهمی است چرا که ذهن تصویر انعکاس را با نفس خود سوژه یکی گرفته و همانندسازی می‌نماید. این مرحله اهمیت ویژه‌ای دارد چون در این همانندسازی سوژه تصویری کامل پیدا می‌کند. اما در عین حال این وحدانیت هویتی خیالی است، چون همانطور که گفتیم خود (ego) معادل سوژه نیست. یعنی تصویر سوژه همان خود سوژه نیست و سوژه چیزی فراتر از یک تصویر صرفاً مادی است. بنابراین همانطور که هومر توضیح می‌دهد: خود (ego) تأثیر تصویر است و در یک کلام کاربردی خیالی دارد. به عبارت بهتر کاربرد خود (ego) در این است که این توهم را تقویت سازد چرا که خود (ego) همیشه در حکم سدی است تا سوژه از حقیقت وجودی خودش آگاهی نیابد (Homer 25).

در تحلیل نظم خیالی می‌توان اولین نقش و کاربرد "دیگری" را یافت. این مرحله که کاملاً جنبه توهمی دارد با دخالت و حضور "دیگری" صورت می‌گیرد. یعنی تصویری که باعث پروسه همانندسازی می‌شود، تصویری غیر از خود واقعی سوژه (self) است و برای نفس سوژه "دیگری" محسوب می‌شود. و اساساً آینه یا هر آنچه که انعکاسی از سوژه را ایجاد نموده هیچگاه نمی‌تواند کلیت و ماهیت سوژه را منعکس نماید. نکته مهم اینست که این مرحله توهمی، پایه و اساس ارتباط آینده سوژه با "دیگری" می‌شود یعنی هنگامی که سوژه (بر اثر جبر نیاز و حضور در روابط اجتماعی) همیشه تصویر خود را در دیگری می‌بیند و نه از طریق کند و کاوهای درونی. بنابراین تصویری که ما از خود داریم از طریق "دیگری" فراهم شده است و این بیش از هر چیز وجود ما را به "دیگری" وابسته می‌سازد.

بنابراین ما از طرفی برای رسیدن به شناخت خود محکوم به وجود "دیگری" هستیم که در نظم خیالی با تصویری از سوژه و نه خود سوژه آغاز می‌شود اما از طرف دیگر از نفس و خود واقعی مان دور می‌شویم. و این شکل شرطی شناخت که شکل‌گیری خود (ego) را تضمین می‌کند، پایه‌ای ناقص و توهمی برای شناخت خود از طریق "دیگری" است. بنابراین در بیان تفاوت سوژه و خود می‌بینیم که خود برای سوژه حکم "دیگری" را دارد. بدین ترتیب در مرحله‌ای که سوژه از نفس حقیقی خود بیگانه می‌شود، "دیگری" نه تنها

نقش مهمی را در این جداسازی ایفا می‌کند که بخشی از این پروسه ساخت و شکل‌گیری است.

در نظم خیالی سوژه که در مرحله آینه آغاز می‌شود، سوژه خود را با تصویری خارج از خود می‌شناسد. علی‌رغم اینکه اولین تصویر سوژه بعدها ساختار خود (ego) را می‌سازد. پروسه شناسایی (تشخیص هویت) بخشی از ماهیت و طبیعت خود (ego) است. حتی در نارسیم (خودشیفتگی) که سوژه با خودش یکی می‌شود، سوژه وارد مرحله‌ای می‌شود که به آن خود ایده‌آل می‌گوییم. خود همان سوژه نیست، بنابراین خود معادل است "دیگری" است برای سوژه. برای همین است که سوژه خودش را چیزی غیر از آنچه واقعاً هست می‌بیند. پس از همان ابتدا شکل‌گیری سوژه، پروسه همانندسازی با تصویری غیر از سوژه ایجاد می‌شود.

تا اینجا تفاوت سوژه و خود را گفتیم. حال ببینیم که سوژه چگونه به وجود می‌آید و جایگاه "دیگری" در نظم نمادین چگونه است. دومین نظمی که لاکان از آن صحبت می‌کند، نظم نمادین است که از نظر لاکان، اساس دنیای انسانی را تشکیل می‌دهد. در روانکاوی لاکان زبان نقش مهمی را ایفا می‌کند و جزء اصلی نظم نمادین محسوب می‌شود. زبان صرفاً وسیله ارتباط نیست بلکه بُعد مهمی است که اجازه ورود سوژه به زنجیره دلالت را می‌بخشد. در نظم نمادین ما با زبان صحبت نمی‌کنیم بلکه این زبان است که از طریق ما صحبت می‌کند. با ورود به نظم نمادین، سوژه به تدریج تصویر کاملی از خود بدست می‌آورد و هویت فردی خویش را می‌سازد. فردیت همانا هدیه زبان است: «انسان فردیت خویش را تنها به شرطی بدست می‌آورد که به نظم نمادین وارد شود، نظمی که بر انسان حاکم است و او را تعیین می‌بخشد» (Lemaire 67). اما در مورد کاربرد نظم نمادین و ارتباطش با سوژه پارادوکسی نهفته است. زبان از طرفی به سوژه هویت فردی می‌بخشد و از طرف دیگر آن را محدود می‌سازد تا آنجا که دسترسی به واقعیت را از دست می‌دهد و به یک دال در زنجیره دلالت تبدیل می‌شود. اما این نقش پارادوکسی زبان و نظم نمادین است که باعث جدایی سوژه از ناخودآگاه و واقعیت می‌شود. جدایی همان چیزی است که لاکان از آن تحت عنوان اسپالتانگ (spaltung) یاد می‌کند. از این رو همیشه تفاوت اساسی وجود دارد میان

سوژه‌ای که صحبت می‌کند (subject of enunciation) و سوژه‌ای که اظهار می‌کند (subject of utterance). «من» در گفتگو همیشه در زبان متغیر است. از نظر لاکان ضمیر من می‌تواند سوژه، خود، ناخودآگاه یا حتی "دیگری" باشد. ضمیر نمادین من همان دال است که همیشه بر من حقیقی تقدم دارد چون زبان او را می‌سازد و از طریق او سخن می‌گوید. از اینروست که لاکان می‌گوید: «سوژه آن است که با یک دال نمایانده شده برای دال دیگر» (Homer 45). ارتباط زبان با سوژه همانند ارتباط نظم نمادین با نظم واقعی است. نماد همیشه باعث غیاب ابژه می‌شود چرا که باید نقش جایگزین را ایفا نماید: «هستی زبان نیستی ابژه هاست» (Lacan: 1977, 263). زبان نیز همین ارتباط را با سوژه دارد و فقط آن را می‌نمایاند. در تعبیر لاکان از تمایل (desire)، شکل‌گیری سوژه بمعنای نیستی نفس سوژه است. همانطور که تمایل از عدم به وجود می‌آید، سوژه نیز هم به لحاظ فیزیکی و هم به لحاظ ورود به نظم نمادین از عدم به حضور می‌رسد.

بنابراین در نظم نمادین نیز مفهوم "دیگری" بسیار بارز است و از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. نظم نمادین سوژه را برای اولین بار با زبان آشنا می‌سازد، او را در زبان بازنمایی می‌کند اما در عین حال هویت سوژه را محدود می‌سازد زیرا که زبان نمی‌تواند هیچگاه بازنمود کاملی از سوژه باشد. هر شکلی از بیان در نظم نمادین برای سوژه "دیگری" محسوب می‌شود چرا که خارج از سوژه است و در اختیار "دیگری" است. بنابراین در هر دوره و نظمی، نقش "دیگری" بسیار اساسی است به حدی که سوژه هیچگاه حتی در درون خود نیز خالص نیست. از این جهت، نظم خیالی و نظم نمادین، هر دو در محدود کردن سوژه از طریق "دیگری" مشترک هستند و هر دو سوژه را از نفس آن دور می‌سازند. اما همین جا این نکته را باید یادآور شویم که علیرغم بنیانی بودن ساختار زبانی در تئوری لاکان سوژه محدود به نظم نمادین نمی‌شود. از نظر او سوژه صرفاً تاثیر نظم نمادین است و همیشه چیزی در سوژه باقی می‌ماند که فراتر از این نظم می‌باشد.

لاکان در نظریاتش از دو نوع "دیگری" صحبت می‌کند. او گاه "دیگری" (other) را به مفهوم عام آن بکار می‌برد یعنی خودهای دیگر که به ما تصویری کامل از خودمان ارائه دهند یا تصویر خیالی از "دیگری". اما "دیگری" (در شکل خاص آن) "دیگری" مطلق

(Other) است که ما هیچ همانند سازی با آن نداریم. "دیگری" مطلق همان نظم نمادین است: آن است که هویت درون ما را شکل می‌دهد و اما ما بر آن کنترلی نداریم. آخرین موقعیتی که لاکان در آن از "دیگری" صحبت می‌کند، ناخودآگاه است. تحت تأثیر نظریات ساختگرایی کلود استروس، سوسور و یاکوبسن همه چیز یک نشانه است و حقیقت یا عینیتی زبانی دارد نه ذاتی. از نظر لاکان نیز نه تنها حیات و جهان انسانی را نشانه‌ها، قوانین و نظم نمادین می‌سازد که سوژه و ناخودآگاه نیز ساختار زبانی دارد. از نظر فروید، ناخودآگاه آن بخشی از وجود است که ما به آن دسترسی نداریم و ناخودآگاه محدوده آرزوها و غرایز سرکوب شده است و ماورای زبان است. اما برای لاکان، ناخودآگاه به‌عنوان یک ساختار زبانی ارائه می‌شود. چون این زبان است که از طریق ما صحبت می‌کند و تمایلات درونی سوژه را از طریق زبان باز نمایی می‌کند. اما لاکان فراتر از این رفته و ناخودآگاه را به‌عنوان گفتمان "دیگری" مطرح کند. اگر ناخودآگاه توسط زبان سازمان یافته، پس تمایل در ناخودآگاه نیز باید تمایل "دیگری" باشد؛ چون "دیگری" آن را به وجود آورده است. از همین جا به این عبارت پیچیده در لاکان می‌رسیم: «تمایل، تمایل دیگری است» (Lacan: 1979, 158). در موقعیتی که گفتمان بر سوژه تحمیل می‌شود به‌عنوان تنها کانال و راهی که از آن طریق سوژه بتواند نیازها و احتیاجات خود را منتقل کند، لاکان نتیجه می‌گیرد که هرگونه تمایل در سوژه، تمایل "دیگری" است. ویلدن توضیح می‌دهد که ماهیت تمایل در لاکان مطلق است یعنی سوژه به شناخت "دیگری" از تمایل خود نیازمند است. بنابراین سوژه آنچه را تمایل دارد که "دیگری" دارد و از آنجا که ناخودآگاه جایگاه "دیگری" است، سوژه آن را تمایل می‌کند که "دیگری" به آن تمایل دارد. پس ناخودآگاه، جایگاه گفتمان "دیگری" است. در معمای تمایل اساساً سوژه بدون "دیگری" هیچ است و بنابراین تلاش می‌کند که غایت تمایل "دیگری" قرار گیرد (Wilden 189). بنابراین اگر "دیگری" علت تمایل در سوژه است، "دیگری" غایت تمایل در سوژه هم می‌شود به عبارت دیگر، "دیگری" هم علت و هم غایت تمایل است. در بحث از تمایل، تمایل هم برای "دیگری" است و هم از آن "دیگری" است. بنابراین در توضیح عبارت لاکان، لومر می‌گوید این سرگردانی حقیقی تمایل است که در تورهای دال گرفتار

شده، آنجا که دیگر دال صرفاً سایه‌ای از حقیقت سوژه را نشان می‌دهد (Lemaire 170-1). در لاکان، "دیگری" همیشه رویه‌ای از سوژه می‌باشد. سوژه در برخورد با "دیگری" شکل یافته و از آنجا که سوژه وابسته به "دیگری" است، خود را بخشی از آن می‌داند. به عبارت بهتر، "دیگری"، بخشی از هستی او را تشکیل می‌دهد و از آن جداناپذیر است. درحالی‌که "دیگری" بخشی از هویت اصلی سوژه را تشکیل می‌دهد، "خود" که توسط نظم خیالی به وجود آمده، سدی است که سوژه را از علتش جدا می‌کند.

از اینجا می‌توان به تفاوت مفهوم "دیگری" در لاکان و مفهوم متافیزیکی آن پی برد. در تئوری لاکان تمایز مشخصی میان دال و مدلول وجود ندارد چراکه همیشه فاصله‌ای میان واژه و مفهوم مربوط به آن وجود دارد. کلمات یا دالها توسط زنجیره‌ای که به آن زنجیره دلالت می‌گوییم، به هم مربوطند. اما نکته مهمی که باید بر آن تأکید شود این است که دال بر مدلول اولویت دارد و مقدم است. تقدم دال، قدرت تحمیلی زبان و نظم نمادین را توجیه می‌کند. هر بخشی از سوژه، علامت دلالت را با خود حمل می‌کند. برخلاف این نظر، در فلسفه تقدم مدلول موقعیت متافیزیکی "دیگری" را تضمین می‌کند. در افلاطون، برکنمن توضیح می‌دهد که مدلول مقدم بر دال است. نقش پویای مدلول ایجاب می‌کند که هستی، واقعیتی خارج از آگاهی از انسان وجود داشته باشد. این واقعیت در افلاطون البته کاملاً جنبه متافیزیکی پیدا می‌کند. "دیگری" در فلسفه باید از دال مادی و از گفتمان فیلسوف فراتر رود تا بتواند مدلولی خارج از زنجیره دلالت (که ماهیتی زبانی دارد) ایجاد کند. برکنمن در پایان نتیجه‌گیری می‌کند که گفتمان فیلسوف، باید به‌عنوان گفتمان ایدئولوژیک در نظر گرفته شود (که متعلق به طبقه اجتماعی خاصی است) و این گفتمان، باعث می‌شود تا حقیقت جایگاه قطعی و مسلم خود را حفظ نماید. بنابراین به نظر می‌رسد که تقدم مدلول بر دال، پشتوانه سیستم تفکر دوقطبی در فلسفه افلاطون را فراهم می‌آورد (Brenkman 443-44).

نتیجه‌گیری

در این بررسی از مفهوم "دیگری" در تئوری لاکان، به تحلیل سه موقعیت پرداختیم که

در هر یک "دیگری" از جایگاه کلیدی بر خوردار است. در هر یک از نظمهای مورد نظر لاکان، سوژه با تصویری جدا و خارج از خود ارتباط برقرار می‌کند: در نظم خیالی "دیگری" خود می‌باشد. در نظم نمادین "دیگری" زبان یا قانون است و در ناخودآگاه دال است که تمایل را ایجاد می‌کند. در بحث تمایل "دیگری" نیز، از دیدگاه لاکان، از آنجا که سوژه به معنای واحد وجود ندارد و چون "دیگری" خود علت تمایل در سوژه است، "دیگری" هم علت و هم غایت تمایل نیز قرار می‌گیرد. بنابراین مفهوم "دیگری" از ارکان اصلی روانکاوی لاکان محسوب می‌شود. در حالیکه در فروید سوژه (غرایز و خواسته‌های فردی) محور اصلی است، تئوری لاکان بر مبنای "دیگری" بنا شده چرا که لاکان با وارد کردن زبان به حوزه روانکاوی نه تنها تعبیر جدیدی از ناخودآگاه را ارائه نمود که کاربرد جدیدی برای سوژه نیز قائل شد که در آن حیات و ماهیت سوژه وابسته به "دیگری" است. مفهوم "دیگری" در ابعاد مختلف تئوری لاکان خود را نشان می‌دهد. در یک کلام سوژه بدون "دیگری" هیچ است.

فهرست منابع

- Brenkman, John, 'The Other and the One: Psychoanalysis, Reading *the Symposium*,' *Literature and Psychoanalysis: The Question of Reading Otherwise*, ed. Shoshana Felman Yale French Studies 55/56 (1977), pp. 396-456.
- Homer, Sean, Jacques Lacan. New York: Routledge, 2005.
- Lacan, Jacques, *Ecrits*. Alan Sheridan, trans., London: Tavistock Publications, 1977.
- Lacan, Jacques, *Four Fundamental Concepts of Psychoanalysis*. Jacques-Allen Miller, ed., Alan Sheridan, trans., Harmondsworth: Penguin Books Ltd., 1979.
- Lemaire, Anika, *Jacques Lacan*. David Macey, trans., London: Routledge and Kegan Paul, 1977.
- Wilden, Anthony, "Lacan and the Discourse of the Other" in Jacques Lacan, *The Language of the Self: The Function of Language in Psychoanalysis*, Anthony Wilden, trans. Baltimore and London: The John Hopkins University Press, 1968.

SID



سرویس های
ویژه



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



عضویت در
خبرنامه



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛
شبکه های توجه گرافی
(Graph Attention Networks)



کارگاه آنلاین آموزش استفاده از
وب آوساینس



کارگاه آنلاین مقاله روزمره انگلیسی